

بسم الله الرحمن الرحيم

قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ

مناظره سید عباس و عبدالله ملازهی در مورد **شان نزول ایه ۵۵ سوره مائده** به تاریخ ۱۳۹۵/۲/۹

عبدالله ملازهی:برادر دارم مناظره میکنم

عبدالله ملازهی:ومهم ترین دلیلشان برای اثبات امامت علی ایه ۵۵سوره مائده است((انما ولیکم الله.....))وچون کتب شیعه برای من حجت نیست پس از کتب اهل سنت ثابت کن شان نزول ایه ۵۵سوره مائده را

عبدالله ملازهی:روافض مهم ترین دلیلشان برای اثبات امامت علی از قران ایه ۵۵ سوره مائده است

سید عباس:این ایه به اقرار علمای شما به اجماع علمای اهل سنت در شان مولا علی ع هست و علمای شما کار ما را راحت کرده اند

آقای عضد الدین ایجی که از استوانه‌ها و فرسان کلام اهل سنت است که متوفای ۷۵۶ است می‌گوید:
وقد أجمع أئمة التفسير على أن المراد بالذين يقيمون الصلاة إلى قوله تعالى وهم راعون على فإنه كان في الصلاة راعا فسأله سائل فأعطاه خاتمه فنزلت الآية.

اجماع دارند پیشوایان تفسیر بر این که مراد «الذين يقيمون الصلاة» تا آنجایی که می‌فرماید وهم راعون»
علی علیه السلام است؛ چون در نماز در حال رکوع سائلی از علی(ع) تقضای کمک کرد و حضرت علی(ع) انگشترش را به او داد و این آیه نازل شد.

المواقف للإيجي ، ج ۳، ص ۶۱۴

آقای ابن حجر در مورد عضد الدین ایجی می‌گوید:

وكان إماما في المعقول قائما بالأصول والمعاني والعربية مشاركا في الفنون.

امام در معقولات است و به پا دارنده اصول شریعت است و در فنون دیگر هم تسلط دارد.

الدرر الكامنة في أعيان المائة الثامنة ، ج ۳، ص ۱۱۰

سید عباس:حالا یک سوال ایا شما می دانید انکار اجماع حکمش چیست؟

عبدالله ملازهی:اما وقتی شما به همین احادیث مربوط به شان نزول در کتب شیعه رجوع می کنید سراسر تناقض در متن احادیث مشاهده می کنید که همین وجود تناقض در متن احادیث را شیعه و علماء آنها دال بر ابطال یک روایت یا داستان تاریخی می دانند.بعنوان مثال شیخ مفید در (المسائل السرویة) (ص ۸۸ - ۹۰) راجع به قضیه ازدواج عمر و ام کلثوم بعد از بررسی کل روایت و تناقضات موجود در روایات می گوید:

وبدو هذا الاختلاف فيه يبطل الحديث

سید عباس:xxxxxxxxxxxxx از ایه ولایت رسید به موضوع ازدواج ام کلثوم دختر ابوبکر با عمر بن خطاب xxxxxxxxxxxx

سید عباس:این اولین فرار شما

عبدالله ملازهی:همچنین جناب خوئی در باب جمع آوری قرآن بعد بررسی کل روایات تناقضات موجود در متن روایات را دلیلی بر ابطال داستان می داند او بعد از ذکر ماجرا می گوید:إنها متناقضة فی أنفسها فلا يمكن الاعتماد علی شئ منها

همچنین جناب جعفر مرتضی العاملی هم همین استدلال را در باب رد ازدواج عمر و ام کلثوم بکار می برد و می گوید:أنه إذا ظهرت التناقضات فی النصوص التي تثبت حدثاً ما ، فإن الريب والشك فی صحة تلك النصوص يصبح مبرراً وطبيعياً

یا اینکه:واللافت فی قصة زواج أم كلثوم بعمر بن الخطاب ، وجود تناقض شدید جداً بین نصوصها كما سیظهره هذا العرض المختضب

اما جالب است همین احادیث مربوط به شان نزول آیه ولایت در کتب شیعه تناقضات عجیبی دارد.یک عده روایات تصریح دارند قبل از علم پیامبر بر تصدیق خاتم نازل شده.روایاتی دیگر می گویند پیامبر اطلاع داشته یا اینکه آیا پیامبر آن موقع در مسجد بوده اینکه کدام نماز بوده عصر بوده یا ظهر اینکه خود علی انگشتر را داد یا سائل انگشتر را کشید اینکه انگشتر طلا بود یا نقره و مسائل دیگر

سید عباس:سوال من رو جواب دهید و فرار نکنید ایا حکم انکار اجماع را می دانید چیست؟

سید عباس:باهوش مناظره در باب ایه ولایت هست نه ازدواج ام کلثوم دختر ابوبکر و ثنیا اثبات ادله
حجیت خبر و شان نزول ایه از منظر اهل سنت

عبدالله ملازهی:اقا نه تنها در تصدیق خاتم بلکه به قول شیخ مفید در کل ماجرا تناقض هست واین
تناقض بنا به اصول حدیثی خود شیعه دلیلی بر رد کل ماجراست

عبدالله ملازهی:اقا نه تنها در تصدیق خاتم بلکه به قول شیخ مفید در کل ماجرا تناقض هست واین
تناقض بنا به اصول حدیثی خود شیعه دلیلی بر رد کل ماجراست

عبدالله ملازهی:روایت ۱) الکلینی فی (الکافی) (۱ / ۲۸۸-۲۸۹)

<http://www.yasoob.com/books/htm1/m012/09/no0979.html>

روایت ۲) الکلینی فی (الکافی) (۱ / ۲۸۹)

<http://www.yasoob.com/books/htm1/m012/09/no0979.html>

روایت ۳) هاشم البحرانی فی تفسیره البرهان (۲ / ۳۱۷-۳۱۸)

الأمالی - الشیخ الصدوق - الصفحة ۱۸۶

<http://www.yasoob.com/books/htm1/m012/10/no1000.html>

روایت ۴) تفسیر القمی - علی بن إبراهیم القمی - ج ۱ - الصفحة ۱۷۰

<http://www.yasoob.com/books/htm1/m016/20/no2007.html>

روایت ۵) هاشم البحرانی فی تفسیره البرهان (۲ / ۳۱۸-۳۱۹) : [۳۱۷۰ / ۹]

<http://almahdyoon.org/arabic/documents/books/alborhan/borhan07.htm>

روایت ۶) هاشم البحرانی فی تفسیره البرهان (۲ / ۳۲۱) : [۳۱۷۴ / ۱۳] - وقال الطبرسی

<http://almahdyoon.org/arabic/documents/books/alborhan/borhan07.htm>

روایت ۷) هاشم البحرانی فی تفسیره البرهان (۲ / ۳۲۱) : [۳۱۷۵ / ۱۴] - العیاشی : عن الحسن بن زید

<http://almahdyoon.org/arabic/documents/books/alborhan/borhan07.htm>

روایت ۸) هاشم البحرانی فی تفسیره البرهان (۲ / ۳۲۲): [۳۱۷۷ / ۱۶] - العیاشی عن أبی حمزہ ، عن أبی جعفر (علیه السلام

<http://almahdyoon.org/arabic/documents/books/alborhan/borhan07.htm>

روایت ۹) هاشم البحرانی فی تفسیره البرهان (۲ / ۳۲۲): [۳۱۷۸ / ۱۷] - العیاشی عن المفضل بن صالح ، عن بعض أصحابه

<http://almahdyoon.org/arabic/documents/books/alborhan/borhan07.htm>

روایت ۱۰) النوری الطبرسی فی (مستدرک الوسائل) (۷ / ۲۵۶-۲۵۷): [۸۱۸۴ / ۴] - السيد علی بن طاووس فی کتاب الیقین

<http://www.yasoob.org/books/htm1/m012/10/no1095.html>

عبدالله ملازهی:روایت ۱۱) النوری الطبرسی فی کتابه (مستدرک الوسائل) (۷ / ۲۵۷): [۸۱۸۵ / ۵] - ونقل فی کتاب سعد السعود

<http://www.yasoob.org/books/htm1/m012/10/no1095.html>

روایت ۱۲) النوری الطبرسی فی کتابه (مستدرک الوسائل) (۷ / ۲۵۷-۲۵۸): [۸۱۸۶ / ۶] - وعن الحسن بن محمد بن یحیی العلوی

<http://www.yasoob.org/books/htm1/m012/10/no1095.html>

روایت ۱۳) النوری الطبرسی فی کتابه (مستدرک الوسائل) (۷ / ۲۵۸): [۸۱۸۷ / ۷] - فرات بن إبراهيم الکوفی فی تفسیره

<http://www.yasoob.org/books/htm1/m012/10/no1095.html>

روایت ۱۴)النوری الطبرسی فی کتابه (مستدرک الوسائل) (۷ / ۲۵۸-۲۵۹) : [۸۱۸۸] ۸ - الشيخ
شاذان بن جبرئیل القمی فی کتاب الروضة والفضائل

<http://www.yasoob.org/books/htm1/m012/10/no1095.html>

روایت ۱۵)النوری الطبرسی فی کتابه (مستدرک الوسائل) (۷ / ۲۵۹-۲۶۰) : [۸۱۸۹] ۹ - السيد
هاشم فی غایة المرام : عن عمار الساباطی ، عن أبی عبد الله

<http://www.yasoob.org/books/htm1/m012/10/no1095.html>

روایت ۱۶)مناقب الإمام أمير المؤمنين (ع) - محمد بن سليمان الكوفي - ج ۱ - الصفحة ۱۵۰

<http://www.yasoob.org/books/htm1/m013/11/no1121.html>

روایت ۱۷)الهداية الكبرى - الحسين بن حمدان الخصيبي - الصفحة ۱۴۴

<http://gadir.free.fr/Ar/Ehlibeyt/KUTUB/el-Hidaye/html/02%20Emir.htm>

روایت ۱۸)کتاب الأربعين - الشيخ الماحوزي - الصفحة ۱۷۷

<http://www.yasoob.com/books/htm1/m013/13/no1390.html>

روایت ۱۹)مستدرک سفینه البحار - الشيخ على النمازي الشاهرودي - ج ۳ - الصفحة ۲۰

<http://www.yasoob.org/books/htm1/m013/14/no1431.html>

روایت ۲۰)(منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغة) (۲ / ۳۵۴) : [وقد ذكر الغزالي فی محكى كلامه عن
کتاب سرّ العالمين أن ذلك الخاتم كان خاتم سليمان بن داود عليه السلام].

<http://www.imamalinet.net/old/k/new/men-bara.t/g02.htm/index.htm>

سيد عباس:اولا كه شما طبق انتخاب موضوع مناظره از خود مناظره و موضوعش فرار كرديد موضوع
مناظره از منظر شيعه هست يا اهل سنت؟ اين اولين فرار شما

ثانیا فرمودید طبق قواعد شیعه این روایت خلاف ظاهر هست ببخشید تکلیف ما را روشن کنید شما گفتید از منظر شیعه یا از منظر اهل سنت؟

سید عباس: اینها چه ربطی به موضوع دارد؟

سید عباس: نظر شیعه خیلی واضح است

شیخ طوسی (رضوان الله تعالی علیه) در تفسیر آیه ولایت می فرماید :

فَأَقْوَى مَا يَدُلُّ عَلَى وَلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام)، قوله تعالى: إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ.

قوی ترین دلیلی که بر ولایت آقا امیرالمؤمنین (علیه السلام) دلالت دارد این آیه است. «جز این نیست که ولیّ شما خداست و رسول او و مؤمنانی که نماز می خوانند و هم چنان که در رکوعند انفاق می کنند» و بعد در ادامه می گوید : استدلال بر این آیه، مبتنی بر دو چیز است: یکی مراد از لفظ «ولیکم» در آیه به معنای ولی امر است نه ناصر، کسی که قیام می کند برای امور مؤمنین و کسی که اطاعتش بر تمام مؤمنین واجب است و دوم این که مراد از «الذین آمنوا»، آقا امیرالمؤمنین علیه السلام است.

و فی ثبوت هذین الوصفین، دلالة علی گونه علیه السلام، إماما لنا.

در اثبات این دو وصف دلالتی بر این است که علی علیه السلام امام ماست.

الشافی فی الإمامة، ج ۲، ص ۲۱۸.

عبدالله ملازهی: این ترفند روافض دیگه خیلی وقته تکراری شده که به جای بررسی اسناد و مطالب متن موضوع به تعریف از نویسنده میپردازند

سید عباس: حالا سوالم را مجدد تکرار می کنم

ایا حکم انکار اجماع را می دانید چیست؟

سید عباس: اهل سنت جکی جان آوردن با ما مناظره کنه؟

خودشان موضوع می دهند شان نزول ایه را ثابت کنیم بعد می گویند به جای بررسی اسناد به تعریف از نویسنده می پردازند

ایکیو علمای شما به اجماع اقرار کرده اند ایه در شان مولاست حالا تو مذهب جدیدی آوردی که خلاف علمای اهل سنت حرف می زنی؟

عبدالله ملازهی:وهمین مطلبی که نوشتی آقای عضدالدین ایجی گفته اجماع کرده اند مفسرین ---بسم الله همین اجماع را بیاورید

سید عباس:شما هنوز در راستای موضوع مناظره خودت حرف نزدی

سید عباس:اما من جواب رو کامل می کنم

سید عباس:تابحال از ایجی ثابت کردم این بار از کسی دیگر

سید عباس:قد (أجمع أئمة التفسير) على (أن المراد) بالذين يقيمون الصلاة إلى قوله تعالى وهم راكعون (على) فإنه كان في الصلاة راكعا فسأله سائل فأعطاه خاتمه فنزلت

اجماع دارند پیشوایان تفسیر بر این که مراد «الذين يقيمون الصلاة» تا آنجایی که می فرماید وهم راكعون» علی علیه السلام است؛ چون در نماز در حال رکوع سائلی از علی(ع) تقضای کمک کرد و حضرت علی(ع) انگشترش را به او داد و این آیه نازل شد.

شرح المواقف - القاضي الجرجاني - ج ۸ - الصفحة ۳۶۰

سخاوی هم درباره سید جرجانی می گوید:

علامه دهره.

علامه دهر بوده است و امام در جمیع امور عقلیه و غیر عقلیه بوده است.

الضوء اللامع لأهل القرن التاسع - شمس الدين السخاوي، ج ۵، ص ۳۲۹

سید عباس:پس به اقرار دو نفر از علمای عمریه این ایه به اجماع در شان مولاست و این تیمیه می گویم انکر ما ثبت بالتواتر والاجماع فهو كافر کسی که منکر اجماع شود کافر هست و شما منکر این اجماع شان نزول هستید محبت کنید از کفر خودتان دفاع کنید

سید عباس:جناب فراری ملازهی از کفرتان دفاع کنید

سید عباس:فرار شما موید بطلان مذهب شماست

سید عباس: بفرما جواب بده

سید عباس: خنخنخنخن پائش را بخوان عالم شما چه گفته؟

وعليه انعقد الإجماع وعلى ان صدقة التطوع تسمى زكوة ونزول هذه الآية في على رض

این جا رو واست معنی کنم با بلدی؟

عبدالله ملازهی: شخصی وجود دارد به اسم ((عبد الوهاب بن مجاهد))

عبدالله ملازهی: وسط حرف من نیا اقا بفهم

عبدالله ملازهی: این راوی به اتفاق علمای جرح و تعدیل ضعیف بلکه کذاب میباشد که روایتش ارزشی ندارند

• قال الدَّارَقُطْنِيُّ: ضعيف الحديث. «السنن» ١ ٣٥٤.

• وقال الدَّارَقُطْنِيُّ: ليس بشيء، ضعيف. «تهذيب التهذيب» ٢ ٦٤٠.

قال المزی فی تهذیب الکمال :

قال إبراهيم بن موسى الرازی ، عن مهران بن أبي عمر : كنت مع سفيان الثوري في المسجد الحرام فمر عبد الوهاب بن مجاهد ، فقال سفيان : هذا كذاب .

و قال عبد الله بن أحمد بن حنبل ، عن أبيه : قال وكيع : كانوا يقولون إن عبد الوهاب بن مجاهد لم يسمع من أبيه . «الجرح والتعديل» ٦ / (٣٦٢) .

و قال أيضا عن أبيه : ليس بشيء ، ضعيف الحديث .

و قال عباس الدوري ، عن يحيى بن معين : ضعيف .

و قال إبراهيم بن يعقوب الجوزجاني : غير مقنع .

و قال أبو حاتم : ضعيف الحديث .

و قال أبو عبيد الآجری : سألت أبا داود عنه ، فقال : كان عبد الرحمن لا يحدث

عنه ، و كان سفيان يستلقى خلفه و يقعد إنسانا يسأله .

و قال النسائي : ليس بثقة ، و لا يكتب حديثه .

و قال أبو أحمد بن عدی : عامه ما يرويه لا يتابع عليه .

قال الحافظ في تهذيب التهذيب ٦ / ٤٥٣ :

و قال على ابن المدینی ، و يحيى بن معين : لا يكتب حديثه ، و ليس بشيء .

و ذكره يعقوب بن سفيان في باب من يرغب عن الرواية عنهم .

و قال الدارقطني : ليس بشيء ، ضعيف .

و قال الأزدی : لا تحل الرواية عنه .

و قال ابن سعد : كان ضعيفا في الحديث .

و قال الحاكم : روى أحاديث موضوعة .

و قال ابن الجوزی : أجمعوا على ترك حديثه .

پس این روایت نیز باطل و موضوع و کذب میباشد

عبدالله ملازهی:وشخی دیگر به اسم((عبد الرزاق))علمای جرح و تعدیل میگویند که عبد الرزاق بن همام در زمان پیری تغییر پیدا کرده و روایاتی که در زمان پیری روایت کرده است را صحیح میدانند ولی چون این راوی قبل از تغییر پیدا کردن ثقة بوده است ما نیز فرض بر ثقة بودن وی داریم و بحث علما در زمان تغییر پیدا کردنش را ذکر نمیکنیم

رتبته عند ابن حجر : ثقة حافظ مصنف شهیر عمی فی آخر عمره فتغیر ، و کان یتشیع

سید عباس:بابا خداوکیلی امشب بدجور ابروی اهل سنت رو بردی

سید عباس:عبد الرزاق از روایت صحیحین است لذا از انجایی که شما جهل به علوم حدیث داری نمی دانی روایت صحیحین خرشان از پل رجالی گذشته است و جرحی بر انها وارد نیست

وقد نقل بن دقیق العید عن بن المفضل وکان شیخ والده انه کان یقول فیمن خرج له فی الصحیحین هذا جاز القنطرة.

ابن دقیق العید از ابن مفضل که استاد پدرش بوده است نقل حدیث دارد که می گفت: کسی که در طریق راویان بخاری باشد از پل عبور کرده است.

العسقلانی الشافعی، أحمد بن علی بن حجر أبو الفضل (متوفای ۸۵۲ هـ)، فتح الباری شرح صحیح البخاری، ج ۱۳، ص ۴۵۷، تحقیق: محب الدین الخطیب، ناشر: دار المعرفة - بیروت.

ابن دقیق العید، یکی از بزرگان تاریخ اهل سنت در علم رجال و حدیث می گوید:

وكان شيخ شيوخنا الحافظ أبو الحسن المقدسي يقول في الرجل يخرج عنه في الصحيح هذا جاز القنطرة
يعنى بذلك أنه لا يلتفت إلى ما قيل فيه وهكذا يعتقد وبه نقول....

استاد استادان ابو الحسن مقدسی در باره شخصی که روایتی از او در صحیح بخاری نقل شده می گفت: او از پول گذشته است. یعنی وقتی در صحیح بخاری روایتی دارد، به سخنانی که علیه آن شخص گفته شده، توجه نمی شود. استاد ما چنین اعتقاد داشت و نظر ما نیز این چنین است.

ابن دقیق العید، تقی الدین أبی الفتح محمد بن علی بن وهب بن مطيع قُشَيْرِي منفلوطي (متوفای ۷۰۲ هـ)، الاقتراح فی بیان الاصطلاح، ج ۱، ص ۵۵، ناشر: دار الکتب العلمیة - بیروت - ۱۴۰۶ هـ - ۱۹۸۶ م

سید عباس: ما فکر می کردیم با یک یا سواد داریم بحث می کنیم

سید عباس: و اضافه بر اینکه عبد الرزاق اینقدر توثیق دارد که به اباطیل امثال حضرت عالی تو زار توجه هم نمی شود و ذهبی و ابن معین گفته اند که عبد الرزاق کافر هم شود احادیثش ترک نمی شود شما این وسط چی می گی؟ خخخخخ

عبد الرزاق صنعانی - استاد بخاری - که ذهبی در مورد او می گوید:

لو ارتد عبد الرزاق عن الإسلام ما تركنا حديثه.

اگر عبد الرزاق از اسلام مرتد هم بشود، ما به روایاتش عمل می کنیم!

تاریخ الإسلام للذهبی، ج ۱۵، ص ۲۶۲ - سير أعلام النبلاء للذهبی، ج ۱۶، ص ۱۷۰ و الكامل فی ضعفاء الرجال، ج ۵، ص ۱۹۴۸

سید عباس: از همه بدتر ایشون مورد توثیق هست پسر گ

سید عباس: وعبد الرزاق وأبوه وجده ثقات ، وميناء مولى عبد الرحمن بن عوف قد أدرك النبی صلی الله عليه وسلم وسمع منه ، والله أعلم »

الكتاب : المستدرک علی الصحیحین للحاکم

سید عباس: از همه بدتر اینجاست که ابن تیمیه خدای شما اهل سنت و وهابیت او را لسان صدق اسلام می داند

و یا در منهاجش میگوید :

أئمة أهل التفسير الذين ينقلونها بالأسانيد المعروفة كتفسير ابن جريج وسعيد بن أبي عروبة وعبد الرزاق وعبد بن حميد و أحمد وإسحاق وتفسير بقي بن مخلد وابن جرير الطبري ومحمد بن أسلم الطوسي وابن أبي حاتم وأبي بكر بن المنذر وغيرهم من العلماء الأكابر الذين لهم في الإسلام لسان صدق و تفاسيرهم متضمنة للمنقولات التي يعتمد عليها في التفسير .

پیشوایان از مفسران که تفسیرشان را با سندهای شناخته شده نوشته اند مانند: ابن جریج، سعید بن ابی عروه، عبد الرزاق ، عبد بن حمید ، احمد ، اسحاق ، بقی بن مخلد ، ابن جریر طبری ، محمد بن اسلم طوسی ، ابن ابی حاتم و ابوبکر بن منذر و غیر آنان از دانشمندان و بزرگانی که زبان راستگوی اسلام بودند و محتوای تفاسیرشان مورد اعتماد است.

منهاج السنة النبویة ، ج ۷ ص ۱۷۹ ، اسم المؤلف : أبو العباس أحمد بن عبد الحليم ابن تیمیة الحرانی الوفاة : ۷۲۸ ، ناشر : مؤسسة قرطبة ، الطبعة : الأولى ، ۱۴۰۶هـ ، تحقیق : د. محمد رشاد سالم .

بنابراین ، عبد الرزاق که به گفته ابن تیمیه ، زبان راستگوی اسلام است !

سید عباس: به نظرم ابروی بر باد رفته ات را جمع کنی بدک نیست

سید عباس: اما برویم سر اصل موضوع من تا اینجا از سه عالم اهل سنت ثابت کردیم که ایه ولایت به اجماع مفسرین اهل سنت در شان مولا است این هم نفر چهارم

سعد الدین تفتازانی: وی می نویسد :

نزلت باتفاق المفسرين في علي بن أبي طالب رضي الله عنه حين أعطى السائل خاتمه وهو راکع في صلاته وكلمة إنما للحصر بشهادة النقل والاستعمال.

این آیه ، به اتفاق مفسران در حق علی بن ابی طالب (علیه السلام) بعد از آن که در حال رکوع نماز به سائل انگشت داد نازل شده است.

التفتازانی ، سعد الدین مسعود بن عمر بن عبد الله (الوفاة: ٧٩١هـ-)، ج ٢ ص ٢٨٨، شرح المقاصد في علم الکلام ، دار النشر : دار المعارف النعمانية – پاکستان – ١٤٠١هـ – ١٩٨١م ، الطبعة : الأولى .

سید عباس:گفتیم به اقرار علمای اهل سنت منکرین اجماع کافر هستند از کفرتان دفاع کنید

سید عباس:اما تا اینجا شما در دو چیز پاسخ ما را نگفتید

اولا انکار اجماع

ثانیا دفاع از کفرتان

ثالثا نگفتید اجماع علمای اهل سنت دروغ گفته اند؟ یا شما راست می گوید؟

عبدالله ملازهی:بگذار یک کم بهت درس رجال هم بدم((با اینکه ادعای سواد ندارم)))۱۱۱

عبدالله ملازهی:اول نوشتی((بد الرزاق از روایت صحیحین است لذا از انجایی که شما جهل به علوم حدیث داری نمی دانی روایت صحیحین خرشان از پل رجالی گذشته است و جرحی بر آنها وارد نیست

عبدالله ملازهی:یک درس رجالی به تو و امثال تو

عبدالله ملازهی:اولا که من نوشتم ((علمای جرح و تعدیل میگویند که عبد الرزاق بن همام در زمان پیری تغییر پیدا کرده و روایاتی که در زمان پیری روایت کرده است را صحیح نمیدانند ولی چون این راوی قبل از تغییر پیدا کردن ثقة بوده است ما نیز فرض بر ثقة بودن وی داریم))یعنی چی؟؟؟؟یعنی اینکه یک راه فرار بزرگ بهت دادم----که فکر کنی این روایت صحیحه!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!

عبدالله ملازهی:ولی این هم درس رجالی

عبدالله ملازهی:خودت نوشتی(((عبد الرزاق از روایت صحیحین است لذا از انجایی که شما جهل به علوم حدیث داری نمی دانی روایت صحیحین خرشان از پل رجالی گذشته است و جرحی بر آنها وارد نیست

((یعنی روایتهای صحیحین از پل صحیحین عبور کرده اند!!!!!!این یعنی راویان؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟))

عبدالله ملازهی:این هم درس امشب من به تو

عبدالله ملازهی:بله در بخاری راوی ضعیف وجود دارد. ولی روایت ضعیف وجود ندارد

برای مثال أسباط ، أبو اليسع البصری که بخاری یک روایت از او آورده است که ابن حجر میگوید در باره اسباط میگوید ضعیفه و ذهبی هم میگوید مجهوله

روایتش اینه

۲۰۶۹ حدثنا مسلم حدثنا هشام حدثنا قتادة عن أنس ح حدثني محمد بن عبد الله بن حوشب حدثنا أسباط أبو اليسع البصري حدثنا هشام الدستوائي عن قتادة عن أنس رضي الله عنه أنه مشى إلى النبي ص بخبز شعير وإهالة سنخة ولقد رهن النبي صلى الله عليه وسلم

الان این راوی ضعیفه ولی روایت ضعیف نیست و مطلقا در بخاری متن های روایت ها ضعیف نیست. حال چطور میشه فهمید این روایت ضعیف نیست؟ خیلی آسان است. برای اینکه دقیقا همین متن را با پنج سند صحیح دیگر که در آن أسباط أبو اليسع البصری وجود ندارد آورده است.

برای کوتاه شدن تنها شماره روایت را میدهم که دقیقا همین متن با اسناد دیگر آمده است (۲۰۶۸ - ۲۲۵۱ - ۲۲۵۲ - ۲۳۸۶ - ۲۹۱۶)

پس اگر راوی ضعیف باشد، امام بخاری هیچ حدیثی از احادیث اصول و احکام از او روایت نکرده است مگر اینکه بخاری قصد داشته که با آوردن سند از او متابعتش را با اسناد دیگر نشان بدهد و یا استشهاد کند به او برای روایات صحیح دیگرش

سید عباس:خخخخخخ اینک فرموده اید علمای رجال چنین ادعایی کرده اند اولاً این ادعا باطل است زیرا اولاً سندی ندارد ثانياً اگر این چنین بوده بخاری از او نقل روایت نمی کرده و به او اعتماد نمی کرده ثالثاً اگر قرار باشد جرحی بر او وارد شود باطل زین پاسخ صحیحین را ضعیفین بخوانید لذا شما به ناچار او را باید توقیق کنیدو اضافه اینکه گفتیم پدر عبد الرزاق هم ثقة هست هههههههه

وعبد الرزاق وأبوه وجده ثقات ، وميناء مولى عبد الرحمن بن عوف قد أدرك النبي صلى الله عليه وسلم وسمع منه ، والله أعلم »

سید عباس:پس اولاً تا اینجا ثابت شد که روایت به اجماع علمای اهل سنت در شان مولاست و شما هم اجماع را رد کردید و کافر شدید و پاسخی برای کفر خود ندادید

سید عباس:ثانیا همین روایت هم از نظر سندی صحیح هست

سید عباس:احسنتم اقرار قشنگی بود که در صحیح راوی ضعیف هست اما روایت ضعیف نیست

اولاً روایت را راوی نقل می کند لذا مستلزم صحت روایت حسب ناقل ان است و ثانیا قاعده رجال اهل سنت در مورد روات صحیحن چیزی دیگر است بر خلاف میل شما

كان الشيخ أبو الحسن المقدسي يقول في الرجل الذي يخرج عنه في الصحيح هذا جاز القنطرة يعني بذلك أنه لا يلتفت إلى ما قيل فيه قال الشيخ أبو الفتح القشيري في مختصره وهكذا نعتقد وبه نقول

ابوالحسن مقدسی (از علمای اهل سنت) می گوید: هر کس که بخاری از او نقل حدیث می کند، دیگر به ضعف آن راوی توجهی نمی شود [و حدیثش مقبول است]! ابوالفتح القشیری (از دیگر علمای اهل سنت) هم این گفتار وی را تأیید نموده است

فتح الباری بشرح صحیح البخاری، ج ۱، ص ۳۸۱

سید عباس:پس بنا بر قواعد رجالی اهل سنت به جرح راویان صحیح هیچ اعتبار و اعتمادی نیست لذا اگر قرار بر این باشد صحت روایات بخاری صحیح باشد و بخاری کتابی مبنی بر درایه الحدیث کتابی صحیح قلم می زد اولاً دیگر نقل روات نمی کرده ثانیا نمی گفت از بین ۷۰۰۰۰۰ هزار حدیث ۷۰۰۰ هزار حدیث را گزینش می کردم

سید عباس:باز بر می گردیم به اصل موضوع

تا اینجا ما ۴ نفر از علمای اهل سنت را آوردیم که گفتند این روایت به اجماع در شان مولا علی ع هست حالا نفر ۵ رو هم می آوریم علی بن محمد قوشجی می نویسد:

انها نزلت باتفاق المفسرين في حق علي بن ابي طالب حين اعطى السائل خاتمه و هو راع في صلاته

این آیه به اتفاق مفسران در حق علی بن ابی طالب نازل شده است و این در زمانی بود که آن حضرت انگستری خود را در حال رکوع به سائل بخشید.

شرح تجريد الاعتقاد ص ٣٦٨ _ مخطوط

سید عباس: پس تا اینجا ۵ نفر از علمای اهل سنت را آوردیم که این ایه در شان مولا علی ع هست حالا از شما تقاضا داریم به ما بگویند آیا اجماع علمای اهل سنت کذاب هستند یا صادق؟

ثانیا بنا بر قواعد علمای شما انکار اجماع کفر اور است که شما باید از کفرتان دفاع کنید که نکردید ثانیا کسی منکر اماع شود دین را باطل کرده است بزدودی گوید:

ومن انكر الإجماع فقد ابطال دينه كله لان مدار اصول الدين كلها ومرجعها إلى إجماع المسلمين

أصول البزدوی ج ۱ ص ۲۴۷

به اقرار علمای عمریه شما کفرین و دین رو باطل کردید محبت می کنید از دین باطلت و کفرت دفاع کنی؟

سید عباس: کاربر ملازهی گویا دارند از دوستانشان مشورت می گیرند خخخخخخ

سید عباس: حالا بعد از پایان اثبات اجماع حقیر روی اسناد و تعدد طرق و تواتر روایت مذکور کار خواهم کرد

سید عباس: منتظر ملازهی رسوا هستیم

سید عباس: ملازهی فراری چی شد؟ به اون رفیقت که داره به تو مشاوره می ده بگو بیاد تو با من مناظره کنه

عبدالله ملازهی: ببینید طریقه ی استناد رافضی را چند قول میاورد که به اجماع مفسرین --- اجماع مفسرین --- اقا جان اجماع مفسرین کجاست؟؟ آیا به صرف یک ادعا میتوان گفت که بله مفسرین اجماع کردند؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟ سند تصحیح نمیخواهد

سید عباس: اہل سنت جکی جان اوردن یا جتلی؟

باهوش روایات بخاری از پل گذشته است بلکه علمای عمریه منی گویند روات از پل گذشته اند تو فرق بین روات و روایت رو نمی دانی امدی مناظره؟

وكان شيخ شيوخنا الحافظ أبو الحسن المقدسى يقول فى الرجل يخرج عنه فى الصحيح هذا جاز القنطرة
يعنى بذلك أنه لا يلتفت إلى ما قيل فيه وهكذا يعتقد وبه نقول ولا نخرج عنه إلا ببيان شاف ووجه
ظاهرة تزيد فى غلبة الظن على المعنى الذى قدمناه من اتفاق الناس بعد الشيخين على تسمية كتائيهما
بالصحيحين ومن لوازم ذلك تعديل رواتهما

استاد استادان ما حافظ ابو الحسن مقدسی در باره کسی که بخاری از او روایت کرده می‌گفت: او از پل (جرح) عبور کرده‌است؛ مقصودش این است که به جرح او که از زبان علمای رجال بیان شده توجهی نمی‌شود.

(نظر ابن دقیق این است): ما نیز این اعتقاد را داریم و این سخن را می‌گوییم. و تا زمانی که بیان کافی و حجت روشن بر جرح شخص راوی صحیح که بر گمان ما غلبه نکند، نداشته باشیم از این اعتقاد بیرون نمی‌رویم؛ چرا که مردم اتفاق دارند که این دو کتابش را صحیح نامگذاری کرده‌است. و از لوازم این نامگذاری این است که راویان آنها عادل باشند.

ابن دقيق العيد، تقى الدين (متوفى ٧٠٢ هـ)، الاقتراح فى بيان الاصطلاح، ج ١، ص ٥٥، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت - ١٤٠٦ - ١٩٨٦

من نشان بده

المعروف!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!xx
الجمع أئمة التفسير!!
أجماع أئمة التفسير الذين ينقلونها بالأسانيد
علي ع هست حالا از شما تقاضا داریم به ما بگويد ايا (((۹بينيد ايا سندی در کار هست اینجا؟؟؟-۱-قد
عبدالله ملازهی:رافضی نوشته))(س تا اینجا ۵ نفر از علمای اهل سنت را آوردیم که این ایه در شان مولا

عبداللہ ملازھی:xxxxxxxxxxxxxx

عبدالله ملازهی: به همون منابعی که ارجاع دادی بین ایا نظرات مفسرین را نوشتند یا خیر؟؟؟؟؟

سید عباس: خخخخخ فرمودید اجماع مفسرین کجاست اجماع مفسرین اقرار علمای شماسهت حالا سوال من اینجاست ایا ۵ عالم شما به اجماع دروغ گفته اند؟ یا صادق بوده اند؟ این رو پاسخ بده

فرمودید این اجماع کجاست؟ این اجماع در کتب علمای شماسهت که انها را آوردیم

فرمودید ایا این قول می توان حجت داشته باشه؟ بله می تواند حجیت داشته باشه اگر قرار باشد اقوال علما از حجیت خارج باشد بطبع تمامی مطلب شما در باب جرح هایی که آورده اید باطل است زیرا هیچ حجیتی ندارد

اما مطلب اینجاست علما شما می گویند به اجماع این ایه در شان مولاست و انکار اجماع هم کفر اور است می توانید از کفر و باطل بودن دین خود دفاع کنید؟

سید عباس: خخخخخ می گوید اجماع مفسرین را نشان بدم در حجالی که خودت اجماع را آوردی
أجمع أئمة التفسير!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!-۲-أئمة أهل التفسير الذين ينقلونها بالأسانيد المعروف

اما سوال اینجاست ایا این اجماع راست گفته یا دروغ؟ این رو پاسخ بده

سید عباس: اما فرمودید اسانید را ارائه کنم چشم ارائه می کنم اما بعد از اکمال اقوال علمای شما در باب اجماع ایه بر مولا علی ع

سید عباس: اما تا کگون ۵ نفر را آوردیم و شما منکر احجماع شدید و کفرتان ثابت شده است
نفر ۶ الوسی سلف العقیده هست

آلوسی ذیل این آیه دو جمله ذیل را می گوید:

۱. «الآیه عند معظم المحدثین نزلت فی علی کرم الله تعالی وجهه؛ این آیه نزد بیشتر محدثان در مورد علی علیه السلام نازل شده است.»

روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی ، اسم المؤلف: العلامة أبی الفضل شهاب الدین السید محمود الألوسی البغدادی الوفاء: ۱۲۷۰هـ ، دار النشر : دار إحياء التراث العربی - بیروت ج ۶ ص

. وغالب الأخباريين على أنها نزلت في على كرم الله تعالى وجهه فقد أخرج الحاكم وابن مردويه وغيرهما عن ابن عباس رضي الله تعالى عنهما باسناد متصل قال : أقبل ابن سلام ونفر من قومه آمنوا بالنبى (صلى الله عليه وسلم) فقالوا يارسول الله إن منازلنا بعيدة وليس لنا مجلس ولا متحدث دون هذا المجلس وأن قومنا لما راونا آمنّا بالله تعالى ورسوله (صلى الله عليه وسلم) وصدقناه رفضونا وآلوا على نفوسهم أن لا يجالسونا ولا يناكحونا ولا يكلمونا فشق ذلك علينا فقال لهم النبى (صلى الله عليه وسلم) : إنما وليكم الله ورسوله ثم أنه (صلى الله عليه وسلم) خرج إلى المسجد والناس بين قائم وراكع فبصر بسائل فقال : هل أعطاك أحد شيئا فقال : نعم خاتم من فضة فقال : من أعطاكه فقال : ذلك القائم وأوماً إلى على كرم الله تعالى وجهه فقال النبى (صلى الله عليه وسلم) على أى حال أعطاك فقال : وهو راکع فكبر النبى (صلى الله عليه وسلم) ثم تلا هذه الآية؛ اکثر حديث نویسان می گویند این آیه در مورد علی علیه السلام نازل شده است او سپس از چند نفر از آنها مانند حاکم و ابن مردویه و... روایتی را در این مورد نقل می کند و می گوید اسناد این روایت متصل است»

روح المعانی، ج ۶، ص ۱۶۷

پس ۶ عالم عمریه هم اقرار می کنید بیشتر علمای اخباری شما و معدّثین شما قائل بر این هستند ایه در شان مولا است

سوال می کنم ایا اجماع علما بیشتر می فهمند و راست گفته اند یا شما بیشتر می فهمید و راست می گویی؟

ایا علمایس شما نظر اکاذیب کرده اند؟

سید عباس:پس تا اینجا ۶ نفر از علمای اهل سنت را آوردیم که این ایه در شان مولا علی ع هست حالا از شما تقاضا داریم به ما بگویند ایا اجماع علمای اهل سنت کذاب هستند یا صادق؟

ثانیا بنا بر قواعد علمای شما انکار اجماع کفر اور است که شما باید از کفرتان دفاع کنید که نکردید ثانیا کسی منکر اماع شود دین را باطل کرده است بزدودی گوید:

ومن انکر الإجماع فقد ابطال دینه کله لان مدار اصول الدین کلها و مرجعها إلى إجماع المسلمین

أصول البزدوی ج ۱ ص ۲۴۷

به اقرار علمای عمریه شما کفرین و دین رو باطل کردید محبت می کنید از دین باطلت و کفرت دفاع کنی؟

عبداللہ ملازہمی، :xx

عبداللہ ملازھی: اساتیدت ہم کہ اومی نی

عبداللہ ملازھی: اومدند

سید عباس: خوب تا اینجا بنا بر ۶ قول عالم اهل سنت این ایه در شان مولاست لذا علمای اهل سنت این زحمت رو از ما کم کردند و ثابت کردند ایه در شان مولاست

سید عباس: اما باز هم شما از پاسخ فرار کردید

سید عباس: سوال اولاً از کفر و باطل بودن دیتان دفاع کنید

ثانیا ایا شما بیشتر از اجماع می فهمید؟

ثالثاً ایا اجماع اهل سنت کذاب است یا نه؟

رابعاً ایا علمایی اهل سنت قصد گول شدن اهل سنت را دارند و یا اینکه اجماع علمای عمریه هم شیعه بودند؟

خامسا ايا اجماع صادق هستند يا كذاب؟

سادسا تفتازانی، و ایچی، و غیره که امام هستند دروغ به مفسرین اهل سنت بستند یا راست گفتند؟

عبدالله ملازهی:پله اسناد را ارائه کن معمولا در علم رجال وحديث صرف ادعای یک شخص حجت

نیست بلکه سند مهم است!!!!!! اما شما این را نمی فهمید!!!!!! یا نمیخواهید بفهمید!!!!!!

سید عباس: حال ما ممنتظر پاسخ شما هستیم و سپس می رویم در باب اثبات تعدد طرق و تواتر همین
ایه که در شان مولا است

سید عباس: خخخخخ طبق این ادعا کل مذهب شما بر باد است زیرا روات شما هیچ کدام در توثیق و تضعیف دارای سند نیستند و حسی نبوده و حدسی بوده

سید عباس: اما سوال من رو پاسخ نگفتید برادر من این ها رو جواب دهید

سید عباس: سوال اولاً از کفر و باطل بودن دینتان دفاع کنید

ثانیا ایا شما بیشتر از اجماع می فهمید؟

ثالثا ایا اجماع اهل سنت کذاب است یا نه؟

رابعا ایا علمایی اهل سنت قصد گول شدن اهل سنت را دارند و یا اینکه اجماع علمای عمریه هم شیعه بودند؟

خامسا ایا اجماع صادق هستند یا کذاب؟

سادسا تفتازانی و ایجی و غیره که امام هستند دروغ به مفسرین اهل سنت بستند یا راست گفتند؟

عبدالله ملازهی: خیلی بد بخت هستید

سید عباس: اینکه علمای شما گفته اند به اجماع ایه در شان مولا علی ع هست این اجماع صادق بوده یا کاذب؟ یا علمای شما نشر اکاذیب کرده اند؟

سید عباس: جواب بده و فرار نکن فراری

عبدالله ملازهی: جواب سوالات

عبدالله ملازهی: سوال اول ((سوال اولاً از کفر و باطل بودن دینتان دفاع کنید

((واذا خاطبهم الجاهلون قالوا سلاما!!!!!!

سید عباس: علمای شما گفته اند کسی منکر اجماع علما شود دین را باطل کرده و کافر است لطفا از کفرتان و باطل شدن دینتان دفاع کنید

وَأَمَّا مَنْ أَنْكَرَ مَا ثَبَتَ بِالتَّوَاتُرِ وَالْإِجْمَاعِ فَهُوَ كَافِرٌ

مجموع فتاوی ابن تیمیّه « العقیده » کتاب توحید الألوهیّه « مسألة من يمنع الاستغاثه بالنبي - ج ۱ ص

بزدودی گوید:ومن انکر الإجماع فقد ابطال دینه کله لان مدار اصول الدین کلها و مرجعها إلى إجماع المسلمین

أصول البزدوی ج ۱ ص ۲۴۷

سید عباس:جناب ملازهی فرار نکن و از کفر و بطلان دینت دفاع کند

سید عباس:جناب ملازهی به من بگوید و پاسخ بدهید و فرار نکنید ایا علمای شما درنقل اجماع صادق بودند یا کذاب؟ یا اجماع علمای شما کذاب هستند؟

سید عباس:برادر ملازهی اگر الز کفرتان و بطلان دینت نمی توانی دفاع کنی و فراری هستی من بروم تواتر ایه و استفاضه رو ثابت کنم؟

سید عباس:۳مین فرصت می دهم که پاسخ دهی

سید عباس:ملازهی انلاینی گویا بدجور کپ کردی از مطالب ما فراری اگر ۳ مین کم هست ۳ روز یا ۳ هفته بهت فرصت بدهم خوبه؟

عبدالله ملازهی:سوال دوم((ثانیا ایا شما بیشتر از اجماع می فهمید؟

(((((خودت هم خوب میدونی که اجماع کجا به کار میره و تو خوبتر هم میدانی که که مخالف اجماع هستی ولی استناد میکنی!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!

سوال شوم(((ثالثا ایا اجماع اهل سنت کذاب است یا نه؟))))((XXXXXXXXXXXXXXXXXXXX بینیم تو اسناد تو راد (أجمع أئمة التفسیر) علی (أن المراد) بالذ!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!۱۱۱-----تفسیر المظهری ج۳ ص۱۳۲-----) (متوفای۱۲۲۵))!!!!!!!!!!!! بن دقیق العید عن بن المفضل و))))!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!این که ربطی به شان نزول ایه نداشت!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!۱۱الوسیلائیة عند معظم المحدثین نزلت فی علی کرم الله تعال!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!سند چی شد پس؟؟؟؟؟؟

سید عباس:عجب پاسخ های متقنی

واقعا در اتقان ججواب ها خود اهل سنت هم کف کرده اند

اینکه می فرماید اجماع کجا به کار می رود اهل سنت تخصیص نزده اند مگر شما مذهبی جدید آورده باشید لذا چون پاسخی ندارید سر در گم مانده اید چه بگویید حالا گفتید سنگ مفت گنجشک مفت یک چیزی بگوییم خخخ این رو هم به پایه بی سواد می گذاریم

اهل سنت به عنوان قاعده کلی و بدون تخصیص گفته اند انکار اجماع کفر اور است و باعث بطلان دین است که تو باید از کفرت و بطلان دینت دفاع کنی

فرمودید که ابن دقیق متوفی کی هست چه ربطی به سند ایه داره

ایکیو تو هنوز نفهمیدی من دارم اقرار علمای شما مبنی بر شان نزول ایه را ثابت می کنم و هنوز سر سند نرفتم؟

شما گفتی ایا اجماع ایه ۵۵ مائده در شان مولاست من هم اقرار علمای شما در مورد اینکه این ایه به اجماع در شان مولاست رو ثابت کردم

فرمودید سخن الوسی در مورد عند المعظم المحدثین چه ربطی به سند داره ربطش اینچجاست که تو را اینقدر استرس گرفته که هنوز موضوع مناظره هم فراموش کردی موضوع در مورد شان نزول ایه بود که علمای شما اقرار کرده اند بزرگان تفسیری اجماع دارند کگه ایه در شان مولاست

سید عباس: من سولاتم رو دوباره تکرار می کنم

سید عباس: علمای شما گفته اند کسی منکر اجماع علما شود دین را باطل کرده و کافر است لطفا از کفرتان و باطل شدن دینتان دفاع کنید

وَأَمَّا مَنْ أَنْكَرَ مَا ثَبَتَ بِالتَّوَاتُرِ وَالْإِجْمَاعِ فَهُوَ كَافِرٌ مَجْمُوعُ فَتَاوَى ابْنِ تَيْمِيَّةَ « الْعَقِيدَةُ » كِتَابُ تَوْحِيدِ الْأَلُوْهِيَّةِ « مَسْأَلَةٌ مِنْ يَمْنَعُ الْإِسْتِغَاثَةَ بِالنَّبِيِّ - ج ۱ ص ۲۰

بزدودی گوید: من انکر الإجماع فقد ابطال دینه کله لان مدار اصول الدین کلها و مرجعها إلى إجماع المسلمین

أصول البزدوی ج ۱ ص ۲۴۷

سید عباس:جناب ملازهی به من بگوید و پاسخ بدهید و فرار نکنید ایا علمای شما درنقل اجماع صادق بودند یا کذاب؟ یا اجماع علمای شما کذاب هستند؟

سید عباس:سوال اولاً از کفر و باطل بودن دینتان دفاع کنید

ثانیا ایا شما بیشتر از اجماع می فهمید؟

ثالثا ایا اجماع اهل سنت کذاب است یا نه؟

رابعا ایا علمایی اهل سنت قصد گول شدن اهل سنت را دارند و یا اینکه اجماع علمای عمریه هم شیعه بودند؟

خامسا ایا اجماع صادق هستند یا کذاب؟

سادسا تفتازانی و ایجی و غیره که امام هستند دروغ به مفسرین اهل سنت بستند یا راست گفتند؟

سید عباس:افرین این سوال قشنگی هست ممنونم از اقا مجید

ما این حسن نیست شما را به فال نیک می گیریم لذا بی سوادى اقای ملازهی رو هم برایمان قابل پذیرش نیست

سید عباس:اجماع مفسرین یعنی مفسرین یعنی علمای تفسیر اهل سنت با توجه به روایات متعدد به این نتیجه رسیده اند از روایات مختلف و متعدد که ایه مذکور در شان مولاست

سید عباس:ملازهی فرار نکن و مرد باش پاسخ های من رو بده

سید عباس:اما به نکته ای دیگر اشاره کنیم

ما گفتیم به اقرار ۶ عالم عمری این ایه به اجماع در شان مولا علی ع هست

اما اجماع چه مقامی نزد اهل سنت دارد

[موقف العلماء من حجة الإجماع]

والإجماع حجة قاطعة عند الجمهور

الكتاب: روضة الناظر وجنة المناظر فى أصول الفقه على مذهب الإمام أحمد بن حنبل

المؤلف: أبو محمد موفق الدين عبد الله بن أحمد بن محمد بن قدامة الجماعيلي المقدسي ثم الدمشقي الحنبلي، الشهير بابن قدامة المقدسي (المتوفى: ٦٢٠هـ)

الناشر: مؤسسة الريان للطباعة والنشر والتوزيع

الطبعة: الطبعة الثانية ١٤٢٣هـ - ٢٠٠٢م - ج ١ ص ٣٧٨

علمای اهل سنت می گویند اجماع حجیت قاطع نزد جمهور علمای اهل سنت است

علمای عمريه می گوید اجماع حجیتی هست قاطع انوقت ملازهی جکی جان می گوید اجماع هیچ ارزشی ندارد خخخخخخ

نمی دانیم ما اقوال جمهور اهل سنت را قبول کنیم یا ملازهی رو

سخن نویسنده فایل:حالا بنیم چطوری دوستان ملازهی به او کمک می کنند تا بتوانند از رسوایم دفاع کند



سید عباس:از زمین و زمان دارن به ملازهی کمک می کنند اما هنوز عاجز است که پاسخ ما را بدهد

سید عباس:ملازهی فرار نکن و جواب بده

عبدالله ملازهی: خخخخخخخخخخخخ مثل اینکه باز هم نفهمیدی!!!!!! اقا جان عبدالرزاق اگر مفسر است(به گفته ابن تیمیه)!!!! ایا دلیل بر پذیرش تمام گفتارش است؟؟؟؟؟؟؟؟ یا در علم رجال به بررسی سند میپردازند؟؟؟؟

سید عباس: بابا این بنده خدا ابروی اهل سنت رو برد یکی بیاد جمعش کنه خخخ

ابن تیمیه می گوید عبد الرزاق لسان صدق اسلام است زبانی راستگوی اسلام است در قاموس اعتقادی شما لسان صدق اسلام زبان راستگو می تواند کذاب هم باشه؟ خخخ

شما چطوری کذاب و صادق را جمع می بندی؟

خدایی یکی دیگه بیاد بحث کنه این ابروی هر چی عمری رو برد

أئمة أهل التفسير الذين ينقلونها بالأسانيد المعروفة كتفسير ابن جريج وسعيد بن أبي عروبة وعبد الرزاق وعبد بن حميد و أحمد وإسحاق وتفسير بقي بن مخلد وابن جرير الطبري ومحمد بن أسلم الطوسي وابن أبي حاتم وأبي بكر بن المنذر وغيرهم من العلماء الأكابر الذين لهم في الإسلام لسان صدق و تفاسيرهم متضمنة للمنقولات التي يعتمد عليها في التفسير .

پیشوایان از مفسران که تفسیرشان را با سندهای شناخته شده نوشته اند مانند: ابن جریج، سعید بن ابی عروه، عبد الرزاق ، عبد بن حمید ، احمد ، اسحاق ، بقی بن مخلد ، ابن جریر طبری ، محمد بن اسلم طوسی ، ابن ابی حاتم و ابوبکر بن منذر و غیر آنان از دانشمندان و بزرگانی که زبان راستگوی اسلام بودند و محتوای تفاسیرشان مورد اعتماد است.

منهاج السنة النبویة ، ج ۷ ص ۱۷۹ ، اسم المؤلف : أبو العباس أحمد بن عبد الحليم ابن تیمیة الحرانی الوفاه : ۷۲۸ ، ناشر : مؤسسة قرطبة ، الطبعة : الأولى ، ۱۴۰۶هـ ، تحقیق : د. محمد رشاد سالم .

بنابراین ، عبد الرزاق که به گفته ابن تیمیه ، زبان راستگوی اسلام است !

سید عباس: این تیمیه میگوید عبد الرزاق لسان صدقه این بنده خدا می گوید ایا دلیل بر پذیرش تمام اقوالش هست خخخ

سید عباس: ایکیو ذهبی می گوید عبد الرزاق کالفر هم بشه احادیثش رو ترک نمی کنیم تو کجای باغ هستی پسرم؟

سید عباس: خخخخخ می گوید در علم رجال نویسنده مد نظر شما هست یا سند حدیث

خوب ایکو پس تا الان شما چه چیزی رو داشتید ثابت می کردید که ضعیفه؟ مگر خودکشی نمی کردید که ضعف عبد الرزاق را ثابت کنید؟ او چچه هست نویسنده هست یا راوی حدیث؟ حال هرکدام باشد اگر محل اشکال باشد توثیق یا تضعیفش چجرا شما تلاش برای تضعیف او می کردید؟

ثانیا برادر گرمای شما هنوز نمی دانی سند روایت چیست بعد می ایی سند رو تضعیف می کنی؟ مشخصه که کسی شت دست به تو کمک می کنه که ابرویت رو برده

عبد الرزاق چه نویسنده باشد می شود محدث و راوی و چه در سند باشد می شود راوی علی کل حال او لسان صدق است سوال می کنم ایا در قاموس اعتقای مذهب شما صادقین هم دروغ می گویند؟ یا دروغ نشر و قلم می زنند؟ و نشر می دهند؟

سید عباس:باهوش ثقه الاسلام کلینی را کسی نگفته مرتد شد باز هم احادیش ترک نمی شود ولی در مورد عبد الرزاق این عبارت آمده هنوز تو فرق بین این دو را نمی فهمی؟

سید عباس:بزرگوار اجماع را علمای شما ثابت کرده اند

آقای عضد الدین ایجی که از استوانه ها و فرسان کلام اهل سنت است که متوفای ۷۵۶ است می گوید: وقد أجمع أئمة التفسير على أن المراد بالذين يقيمون الصلاة إلى قوله تعالى وهم راکعون على فإنه كان في الصلاة راکعا فسأله سائل فأعطاه خاتمه فنزلت الآية.

اجماع دارند پیشوایان تفسیر بر این که مراد «الذين يقيمون الصلاة» تا آنجایی که می فرماید وهم راکعون «علی علیه السلام است؛ چون در نماز در حال رکوع سائلی از علی(ع) تقضای کمک کرد و حضرت علی(ع) انگشترش را به او داد و این آیه نازل شد.

المواقف للإيجی ، ج ۳، ص ۶۱۴

آقای ابن حجر در مورد عضد الدین ایجی می گوید:

وكان إماما في المعقول قائما بالأصول والمعاني والعربية مشاركا في الفنون.

امام در معقولات است و به پا دارنده اصول شریعت است و در فنون دیگر هم تسلط دارد.

الدرر الكامنة في أعيان المائة الثامنة ، ج ۳، ص ۱۱۰

سید عباس: اما شما اینقدر بی سواد هستید که سوماتعریف روایت متواتر و مستفیض رو هم بلد نیستید

سید عباس: اما مستفیض چه روایتی هست

وسط مناظره باید به ایشون علم رجال هم یاد بدهیم

عبدالله ملازهی: رافضی نوشته ((که ذهبی در مورد او می گوید: لو ارتد عبد الرزاق عن الإسلام ما تركنا حديثه -- سير أعلام النبلاء للذهبي، ج ۱۶، ص ۱۷۰ و) ۹ کذبی دیگر بینیم این نظر امام ذهبی است یا خیر؟؟؟؟؟ مَا الْمَثَلُ فِيهِ إِلَّا كَمَا قَالَ يَحْيَى بْنُ مَعِينٍ -- لَوْ ارْتَدَّ عَبْدُ الرَّزَّاقِ مَا تَرَكْنَا حَدِيثَهُ، وَقَدْ سَأَلْتُهُ الْمَقَامَ بَنِيْسَابُورَ، فَقَالَ: عَلَى مَنْ أُقِيمُ؟

سید عباس: جزائری دمشقی می نویسد: وأقل ما ثبت به الاستفاضه اثنان. حد اقل اثبات استفاضه با دو طریق است.

الجزائری الدمشقی، طاهر بن صالح بن أحمد (متوفای: ۱۳۳۸هـ)، توجیه النظر إلى أصول الأثر، ج ۱، ص ۱۱۲، تحقیق: عبد الفتاح ابوغده، ناشر: مكتبة المطبوعات الإسلامية - حلب، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۶هـ - ۱۹۹۵م

پس خبری که دو طریق داشته باشد می شود مستفیض

سید عباس: اما خبر متواتر چیست

قال ابن حزم بعد نقل حديث: «لا تبيعوا الماء» عن أربعة من الأصحاب: فهؤلاء أربعة من الصحابة رضى الله عنهم، فهو نقل تواتر لا تحل مخالفته. المحلى، ج ۲، ص ۱۳۵

حديث «الائمة من قریش» که تنها حدیث مورد استناد گردانندگان سقیفه بوده است، فقط ۳ نفر از صحابه آن را نقل کرده اند: انس، عبدالله بن عمر و معاویه.

لذا روایت را متواتر دانسته اند.

الفصل ابن حزم، ج ۴، ص ۸۹

پس خبری را که ۳ صحابی آنرا نقل کند می شود متواتر

عبدالله ملازهی:رافضی نوشته((قای ابن حجر در مورد عضد الدین ایجی می گوید:کان إماما فی المعقول قائما بالأصول والمعانی))۹!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!ایها الناس یکی به این بفهمونه که اقا جان به جای تعریف از نویسنده ونوشتن اینکه عده ای گفته اند به اجماع مفسرین---اسناد را بیاور تا بررسی کنیم

سید عباس: حال سوال ایا ایہ ۵۵ سورہ مائدہ مستفیض ہست؟ یا خیر؟

عبداللہ ملازھی:xx
ثابت نکردی رفتی یک شاخه دیگه و کوچه علی چپ!!!!!!]xxxxxxxxxxxxxxxx

عبدالله ملازهی:اول برادریت را ثابت کن بعد ادعای ارث کن

سید عباس: اول: ابن عباس سند اول: اسباب النزول واحدی - ح ۱۷۵

[http://library.islamweb.net/hadith/display_hbook.php?bk_no=732&
=hid=175&pid](http://library.islamweb.net/hadith/display_hbook.php?bk_no=732&=hid=175&pid)

سند دوم: انساب الاشراف للبلاذری - ص ۱۵۰ ح ۱۵۱

<http://shiaonlineibrary.com> / الكتب / ٣٤٢٥_ انساب - الأشراف -

البلاذري/الصفحة top#١٤٥

عبدالله ملازهی: هر وقت اسناد را دادی وتصحيح كردی اون موقع به بحث تخصصی رجال هم میپردازیم

عبداللہ ملازہی: کوچہ علی چپ نرو!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!! منتظرم تا اجماع مفسرین را ثابت کنی

سید عباس: پس تا اینجا ثابت شد این خبر دو طریق دارد که استفاده را ثابت می کند و طبق قاعده

رجال اهل سنت خبری که متسفیف باشد و تعدد طرق داشته باشد نیازی به بررسی سندی ندارد

و ابن تیمیہ حرّانی در مجموع فتاوی می‌نویسد: تعدد الطرق و کثرتها یقوی بعضها بعضا حتی قد یحصل

العلم بها ولو كان الناقلون فجارا فساقا فكيف إذا كانوا علماء عدولا ولكن كثر في حديثهم الغلط

زیادی و تعدد راه‌های نقل حدیث بعضی بعض دیگر را تقویت می‌کند که خود زمینه علم به آن را فراهم

می کند؛ اگر چه راویان آن فاسق و فاجر باشند؛ حال چگونه خواهد بود حال حدیثی که تمام راویان آن

افراد عادل، باشند که خطا و اشتباه هم در نقلشان فراوان باشد.

ابن تيمية الحراني ، أحمد عبد الحليم أبو العباس (متوفى ٧٢٨ هـ) ، كتب ورسائل وفتاوى شيخ الإسلام ابن تيمية ، ج ١٨ ، ص ٢٦ ، تحقيق : عبد الرحمن بن محمد بن قاسم العاصمي النجدي ، ناشر : مكتبة ابن تيمية ، الطبعة : الثانية .

سید عباس:پس خبر مذکور تعدد طرق دارد و مستفیض است و ما را از بررسی سندی هم بی نیاز می کند

عبدالله ملازهی: +تصحیح اسناد))در ضمن لازم نیست از نویسنده کتاب تعریف وتمجید کنی به بررسی اسناد پرداز!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!

عبداللہ ملازھی:

سید عباس: اگر ما زدیم به قول شما به کوچه ابوبکر و یا عمر چپ به درخواست شما بود که اسناد را بیاوریم خخخخخخخ گویا فراموشتان شده بود که اقوال ما در باب اجماعی بودن روایت طوری بود که کفر شما را ثابت کرد و شما از کفرت نتوانستی دفاع کنی ما را منت می کردی که اسناد را بیاوریم؟

خخخخخخ

عبداللہ ملازھی: شما سند اوردی؟؟؟؟؟اخہ بد بخت دو تا سند اوردی کہ اونہا بہ دردت نخورد

عبدالله ملازهی: سوال دوم ((ثانیا ایا شما بیشتر از اجماع می فهمید؟

هستی ولی استناد میکنی!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!! سوال شوم!!!!(ثالثا ایا اجماع اهل سنت کذاب است یا نه؟

(((XXXXXXXXXXXX بيينيم تو اسناد تو راد (أجمع أئمة التفسير) على (أن المراد)

بالذ!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!۱۱۱----لتفسير المظهرى ج ۳ ص ۱۳۲-----((متوفى ۱۲۲۵))!!!!!!!!!!!!!!!!!!!! بن

دقیق العید عن بن المفضل و))))))!!!!!! این که ربطی به شان نزول ایه

نداشت!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!۱ الوسیلائیہ عند معظم المحدثین نزلت فی علی کرم الله تعال!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!سند چی شد پس؟؟؟؟؟

سید عباس: بین این بخش خوب دقت کن چطورى خودت رو زدى به كوچه عمر چپ

سند چي شد پس؟؟؟؟؟

عبدالله ملازهی: اقا تو که کلینی را قبول داری ((این کفرش را هم قبول میکنیبله واقعا

[http://library.islamweb.net/newlibrary/display_book.php?bk_no=85
&ID=773&idfrom=6181&idto=6327&bookid=85&startno=22](http://library.islamweb.net/newlibrary/display_book.php?bk_no=85&ID=773&idfrom=6181&idto=6327&bookid=85&startno=22)

چهارم: ابو رافع

المعجم الكبير للطبرانی - ج ۱ ص ۳۲۱ ح ۹۵۵

http://library.islamweb.net/newlibrary/display_book.php?flag=1&bk_no=84&ID=953

پنجم: ابوذر غفاری

تفسير الثعلبی - ج ۴ ص ۸۰

http://shiaonlinelibrary.com/الکتب/۲۵۳۲_تفسير-الثعلبی-الثعلبی-ج-۴/الصفحة_۰?pageno=80#top

شواهد التنزیل حاکم حسانی - ج ۱ ص ۲۲۹ ح ۲۳۵

http://shiaonlinelibrary.com/الکتب/۲۵۵۰_شواهد-التنزیل-الحاکم-الحسانی-ج-۱/الصفحة_۲۱۹#top

ششم: مقداد بن اسود

شواهد التنزیل حاکم حسانی - ج ۱ ص ۲۲۸ ح ۲۳۴

http://shiaonlinelibrary.com/الکتب/۲۵۵۰_شواهد-التنزیل-الحاکم-الحسانی-ج-۱/الصفحة_۲۱۸#top

هفتم: جابر بن عبدالله

شواهد التنزیل حاکم حسانی - ج ۱ ص ۲۲۴ ح ۲۳۲

http://shiaonlinelibrary.com/الکتب/۲۵۵۰_شواهد-التنزیل-الحاکم-الحسانی-ج-۱/الصفحة_۲۱۵#top

هشتم: أنس بن مالک

شواهد التنزیل حاکم حسانی - ج ۱ ص ۲۱۵ ح ۲۲۳

عبدالله ملازهی:درمورد ابن کثیر--حرف ابن کثیر مگه فقط همینه؟؟؟؟فسیر ابن کثیر - ذیل آیه ی ۵۵

مأده

!!!!!!!!!!!!

سید عباس:همان طور که مشاهده کردید این ایه دارای حداقل ۸ طریق از صحابی را دارد که این مسئله تواتر را ثابت می کند

پس اولاً اینکه علمای اهل سنت می گوید به اجماع این ایه در شان مولا علی ع هست به خاطر این تعدد طرق و تواتر است

ثانیا ثابت شد این روایت متواتر است که قبلاً گفتیم اگر خبری را ۳ صحابی نقل کند متواتر است حال دیگر چه نظری داده اند؟

۴ صحابی

ابن حزم بعد از نقل روایتی در باب حرمت بیع آب میگوید :

فَهَؤُلَاءِ أَرْبَعَةٌ مِنَ الصَّحَابَةِ فَهُوَ نَقْلٌ تَوَاتُرٍ لَا تَحِلُّ مُخَالَفَتُهُ

اینها ۴ نفر از صحابه هستند (که این روایت را بیان کرده اند) و این نقل متواتر است و مخالفت با آن جایز نیست.

المحلی ، ج ۲ ص ۱۳۵ ؛ ج ۹ ص ۷ ، اسم المؤلف: علی بن أحمد بن سعید بن حزم الظاهری أبو محمد الوفاء: ۴۵۶ ، دار النشر : دار الآفاق الجديدة - بیروت ، تحقیق : لجنة إحياء التراث العربی

۵ صحابی ابن حزم در مورد روایتی دیگر میگوید :

فَهَذَا نَقْلٌ خَمْسَةٌ مِنَ الصَّحَابَةِ بِالطَّرُقِ الثَّابِتَةِ فَهُوَ نَقْلٌ تَوَاتُرٍ

این نقل ۵ تن از صحابه به طرق ثابت است و لذا این نقل متواتر می باشد.

المحلى ، ج ٨ ص ٤٥٣ ، اسم المؤلف: على بن أحمد بن سعيد بن حزم الظاهري أبو محمد الوفاء: ٤٥٦ ،
دار النشر : دار الآفاق الجديدة - بيروت ، تحقيق : لجنة إحياء التراث العربى
٦صحابى طحاوى در مورد روايتى كه از ٦تن از صحابه آمده ميگويد :

فَهَذِهِ الْآثَارُ قَدْ تَوَاتَرَتْ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِالسُّجُودِ فِي الْمُفَصَّلِ فِيهَا
این روایات نبوی سجده بر لباس به صورت متواتر رسیده است.

شرح معانى الآثار ، ج ١ ص ٣٥٨ ، اسم المؤلف: أحمد بن محمد بن سلامة بن عبد الملك بن سلمة أبو
جعفر الطحاوى الوفاء: ٣٢١ ، دار النشر : دار الكتب العلمية - بيروت - ١٣٩٩ ، الطبعة : الأولى ، تحقيق :
محمد زهرى النجار

نظم المتناثر من الحديث المتواتر ، ص ١٠٨ رقم ٨٩ ، اسم المؤلف: محمد بن جعفر الكتانى أبو عبد الله
الوفاء: ١٣٤٥ هـ ، دار النشر : دار الكتب السلفية - مصر ، تحقيق : شرف حجازى
٧صحابى كتانى در مورد روايت بعد از نقل از ٧ تن از صحابه ميگويد :

(قلت) نص على تواتره أيضا الشيخ عبد الرؤوف المناوى فى التيسير نقلا عن السيوطى

ميگويم (كتانى): تواتر این روايت را شيخ عبدالرؤف مناوى در تيسير در سيوطى نقل مى کند.

نظم المتناثر من الحديث المتواتر ، ص ١٣٤ رقم ١٢٧ ، اسم المؤلف: محمد بن جعفر الكتانى أبو عبد الله
الوفاء: ١٣٤٥ هـ ، دار النشر : دار الكتب السلفية - مصر ، تحقيق : شرف حجازى

٨صحابى ابن حجر مكى در ذيل روايتى چنين ميگويد :

اعلم أن هذا الحديث متواتر فإنه ورد من حديث عائشة وابن مسعود وابن عباس وابن عمر وعبد الله بن
زعمه وأبى سعيد وعلى بن أبى طالب وحفصة .

بدان كه این حديث متواتر است زیرا به سند از عايشه و ابن مسعود و ابن عباس و ابن عمر و عبدالله بن
زعمه و ابى سعيد و على بن ابى طالب و حفصه آمده است.

الصواعق المحرقة على أهل الرفض والضلال والزندقه ، ج ١ ص ٥٩ - ٦٠ ، اسم المؤلف: أبو العباس أحمد بن محمد بن علي ابن حجر الهيتمي الوفاء: ٩٧٣هـ ، دار النشر : مؤسسة الرسالة - لبنان - ١٤١٧هـ - ١٩٩٧م ، الطبعة : الأولى ، تحقيق : عبد الرحمن بن عبد الله التركي - كامل محمد الخراط

سید عباس:همان طور که دیدید روایتی که از ۳ طرق صحابی تا ۸ طریق را متواتر گویند

سید عباس:حالا می خواهیم بدانیم حکم انکار روایت متواتر چیست؟

ما قلبا ثابت کردیم منکرین اجماع ایه ۵۵ مائده کافر هستند حالا می خواهیم بدانیم انکار تواتر حکمش چیست؟

محمد ابن عبد الوهاب در رساله خود منکر حدیث متواتر را فاسق شمرده:

ومن أنکر ذلك فقد أنکر المتواتر وحال منکره معلوم أقل مراتبه أن یکون فاسقاً.

... و کسیکه آن را انکار کند، پس متواتر را انکار کرده است و حالی منکر متواتر معلوم است و کمترین مراتب آن این است که فاسق است.

محمد بن عبد الوهاب (متوفای ۱۲۰۶ هـ)، رساله فی الرد علی الرافضة، ج ۱، ص ۴۱، تحقیق: الدكتور / ناصر بن سعد الرشید، ناشر: مطابع الرياض، الرياض، الطبعة الأولى.

در کتاب «الفتاوی الهندیه» از مکتب فقهی معتبر احناف می باشد نیز آمده است:

وَمَنْ أَنْكَرَ الْمُتَوَاتِرَ فَقَدْ كَفَرَ.

و کسیکه متواتر را انکار کند، کافر شده است.

نظام وجماعه من علماء الهند، الفتاوی الهندیه فی مذهب الإمام الأعظم أبی حنیفه النعمان، ج ۲، ص ۲۶۵، ناشر: دار الفكر، ۱۴۱۱هـ - ۱۹۹۱م.

وَأَمَّا مَنْ أَنْكَرَ مَا ثَبَتَ بِالتَّوَاتُرِ وَالْإِجْمَاعِ فَهُوَ كَافِرٌ

مجموع فتاوی ابن تیمیہ «العقیده» کتاب توحید الألوهیة «مسألة من يمنع الاستغاثة بالنبی» - ج ۱ ص

همان طور که دیدید انکار تواتر هم کفر اور است و کمترین ان فسق است

حالا میخواهیم از ملازهی که از کفر و ارتدادش دفاع کند

سید عباس: خخخخخخ باهوش روایت مذکور متواتر است تو داری روات رو بررسی می کند؟ انکار تواتر کفر است و ایضا روایت مستفیض است و این تیمیه گفته است روایت مستفیض نیازی به بررسی روات ندارد و علم آورد است اگر هم رواتش مجروح باشند شما قاعده رجالی جدید کشف و ضبط کرده پسر؟ ابن تیمیه حرّانی می نویسد :

تعدد الطرق و کثرتها یقوی بعضها بعضا حتی قد يحصل العلم بها ولو كان الناقلون فجارا فساقا فكيف إذا كانوا علماء عدولا ولكن كثر فی حديثهم الغلط .

زیادی و تعدد راههای نقل حدیث برخی برخی دیگر را تقویت می کند که خود زمینه علم به آن را فراهم می کند ؛ اگر چه راویان آن فاسق و فاجر باشند ؛ پس چگونه خواهد بود حال حدیثی که تمام راویان آن افراد عادل باشند که خطا و اشتباه هم در نقلشان فراوان باشد .

ابن تیمیه الحرّانی ، أحمد عبد الحليم أبو العباس (متوفای ۷۲۸ هـ) ، کتب و رسائل و فتاوی شیخ الإسلام ابن تیمیّه ، ج ۱۸ ، ص ۲۶ ، تحقیق : عبد الرحمن بن محمد بن قاسم العاصمی النجدی ، ناشر : مكتبة ابن تیمیّه ، الطبعة : الثانية .

سید عباس: روایات ایوب را البانی تصحیح سندی کرده است پسر خخخ
(سنن ابن ماجه)

۱۴۰۸ حدثنا عبید الله بن الجهم الأنماطی حدثنا أيوب بن سويد عن أبي زرعة السيباني يحيى بن أبي عمرو حدثنا عبد الله بن الديلمي عن عبد الله بن عمرو عن النبي صلى الله عليه وسلم قال لما فرغ سليمان بن داود من بناء بيت المقدس سأل الله ثلاثا حكما يصادف حكمه وملكاً لا ينبغي لأحد من بعده وألا يأتي هذا المسجد أحد لا يريد إلا الصلاة فيه إلا خرج من ذنوبه كيوم ولدته أمه فقال النبي صلى الله عليه وسلم أما اثنتان فقد أعطيهما وأرجو أن يكون قد أعطى الثالثة .

تحقیق الألبانی : صحيح ، التعليق الرغيب (۲ / ۱۳۷)
(سنن ابن ماجه)

۲۰۴۳ حدثنا إبراهيم بن محمد بن يوسف الفريابي حدثنا أيوب بن سويد حدثنا أبو بكر الهمذلي عن شهر بن حوشب عن أبي ذر الغفاري قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم إن الله تجاوز عن أمتي الخطأ والنسيان وما استكرهوا عليه .

تحقيق الألباني : صحيح ، المشكاة (۶۲۸۴) ، الإرواء (۸۲)

(سنن ابن ماجه)

۲۸۸۱ حدثنا يونس بن عبد الأعلى حدثنا أيوب بن سويد عن يونس بن يزيد عن ابن شهاب عن سعيد بن المسيب أن جبير بن مطعم أخبره أنه جاء هو وعثمان بن عفان إلى رسول الله صلى الله عليه وسلم يكلمانه فيما قسم من خمس خيبر لبني هاشم وبني المطلب فقالا قسمت لإخواننا بني هاشم وبني المطلب وقرابتنا فقام رسول الله صلى الله عليه وسلم إنما أرى بني هاشم وبني المطلب شيئا واحدا .

تحقيق الألباني : صحيح ، الإرواء (۱۲۴۲)

سید عباس: حالا ما منتظر می مانیم شما از کفرت دفاع کنی

سید عباس: خخخخخ این هم پاسخ البانی به تو

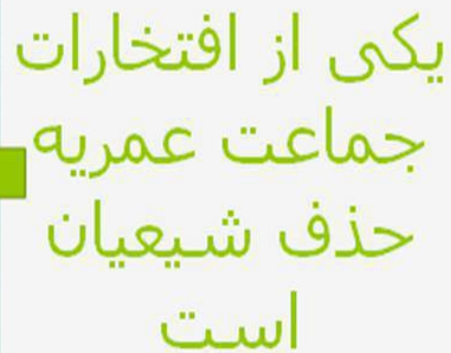
و محمد ناصر البانی در ارواء الغلیل بعد از نقل طرق یک روایت می گوید :

وجملۀ القول : أن الحديث طرقه كلها لا تخلو من ضعف ولكنه ضعف يسير إذ ليس في شيء منها من اتهم بكذب وإنما العلة الإرسال أو سوء الحفظ ومن المقرر في " علم المصطلح " أن الطرق يقوى بعضها بعضا إذا لم يكن فيها متهم .

خلاصه آن که : تمام سندهای این حدیث بدون ضعف نیست ؛ اگر چه ضعف مهمی نیست ؛ زیرا کسی که متهم به دروغ باشد ، در طرق حدیث وجود ندارد و علت ضعف یا ارسال آن است و یا کم حافظه بودن راوی . از مسائل ثابت شده در علم رجال این است که سند های متعدد در صورتی که در سلسله سند فرد متهمی نباشد یکدیگر را تقویت می کنند .

البانی ، محمد ناصر ، إرواء الغلیل فی تخریج أحادیث منار السبیل ، ج ۱ ، ص ۱۶۰ ، تحقیق : إشراف : زهیر الشاویش ، ناشر : المكتب الإسلامی - بیروت - لبنان ، الطبعة : الثانية ، ۱۴۰۵ - ۱۹۸۵ م .

سخن نویسنده فایل: در پایان هم آقایان دیگر پاسخی نداشتند و به ما ناچار سید عباس رو حذف کردند





مناظره مذهبی

در حال نوشتن TNX ...



مح MCHAMMAD

سلام

01:32



عبدالله ملازهی

Majid M2

من دخالت نکردم میخواستم بدونم ...

دوستان خدا حافظ

01:32



saleh (ریپورتم)

آقای ملازهی لطفا چنین اشخاصی رو تو
گروه نیار

01:32



saleh (ریپورتم)

و بلاک لیست های گروه رو آزاد نکن
ممنون برادر

01:33



ریپورت از گروه رفت



پیام

